

شخصیت و آثار مؤلف تفسیر المبانی لنظم المعانی

غلامحسین اعرابی

دانشگاه قم

چکیده:

مؤلف تفسیر المبانی لنظم المعانی که تا سالیان اخیر ناشناخته بوده ابو محمد احمد بن محمد بن علی عاصمی است. بر خلاف نظر برخی از مستشرقان، او مردی فاضل از اهالی خراسان بوده و کتاب دیگری به نام زین الفتی فی شرح سورة هل اتی از وی باقی مانده است. عاصمی برای کسب دانش به هرات، بلخ و کرمان سفر کرده است. او خود را از کرامیان شمرده است. آرای او در دو کتاب المبانی و زین الفتی به ضمیمه آنچه اهل تحقیق درباره حقیقت مذهب کرامیه گفته‌اند سبب تردید در پذیرش نقل نویسندگان کتابهای ملل و نحل درباره این فرقه می‌شود.

کلید واژه‌ها: عاصمی، المعانی لنظم المعانی، زین الفتی، کرامیه.

مقدمه

در سال ۱۹۵۴ به کوشش آرتور جفری کتابی با عنوان مقدمتان فی علوم القرآن در مصر به چاپ رسید. این کتاب حاوی مقدمه تفسیر المبانی لنظم المعانی و مقدمه تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز است. مؤلف تفسیر اخیر، ابن عطیه است. جفری به نسخه‌ای از آن که در خزانه دارالکتب المصریه قاهره موجود بوده دسترسی داشته و آن را باز خوانی کرده است. از تفسیر المبانی یک نسخه در موزه برلین وجود داشته و باز خوانی بر اساس آن انجام گرفته است (جفری، ۱).

۱- مؤلف تفسیر المبانی

تنها نسخه موجود از این تفسیر، فاقد صفحه اول است، از این رو تا سالهای اخیر مؤلف آن ناشناخته بود. گمانه زنیها درباره مؤلف از آغاز بازیابی این تفسیر راه به جایی نبرده است. آرتور جفری (ص ۳) می نویسد: «از لغت و اسناد مؤلف چنین بر می آید که وی از علمای مغرب باشد».

ولی با توجه به نام برخی از اساتید مؤلف، روشن می شود که وی مغربی یا از مغرب زمین نبوده است زیرا نام یکی از اساتیدش محمد بن احمد بن جلاب است (عاصمی، ۴) و جلاب مغرب گلاب فارسی می باشد؛ همچنین یکی از اساتیدش محمد بن اسحاق بن محمشاد است (همو، ۳۳۵) کلمه محمشاد گویشی فارسی (نیشابوری) است. همچنین استاد دیگرش محمد بن علی کرمانی (همو، ۶۰۱) است. از این طریق می توان نتیجه گرفت که وی اهل مغرب یا مغرب زمین نبوده است.

در سال ۱۴۱۸ با انتشار کتاب العسل المصفی که تهذیب کتاب زین الفتی فی شرح سورة هل اتی از آثار مؤلف المبانی است و توسط محمد باقر محمودی تهذیب شده مؤلف تفسیر المبانی شناسایی شد. از چند جای کتاب یاد شده استفاده می شود که المبانی نیز اثری از مؤلف زین الفتی یعنی ابو محمد احمد بن محمد بن علی بن احمد بن عاصمی است که ظاهراً نیشابوری و متولد سال ۳۷۸ ق است (قفطی، ۱/۱۳۳). عاصمی در زین الفتی، چند بار از المبانی یاد کرده است:

«... علی ما ذکرناه فی کتاب ... المبانی لنظم المعانی» (عاصمی، زین الفتی، ۹۵).

«و قد قلنا فی کتاب المبانی...» (همان، ۱۱۰)

«قد اوردنا لنظم آیات القرآن کتابا عنوانه بکتاب: المبانی لنظم المعانی» (همان، ۱۱۷).

«و قد بینت وجوه الاحتجاج التي فی هذا الفصل فی کتاب: المبانی لنظم

المعانی» (همان، ۴۵۱).

۲- خاستگاه تربیتی عاصمی

در این باره اطلاعات چندانی وجود ندارد. در انباه الرواة آمده که وی مردی ادیب، فاضل، اهل خراسان و متولد ۳۷۸ ق بوده است و در دانش صرف و نحو شخصی بارز

بوده و تألیفات نکویی داشته است (قفطی، ۱/۱۳۳). تراجم نویسان بعدی نیز همین مطالب را در کتابهای خود آورده‌اند (آغا بزرگ تهرانی، ۱۲/۹۰؛ زرکلی، ۳/۲۴۹؛ کحاله، ۲/۱۳۱؛ فقیه ایمانی، ۷۷).

از نوشته‌های عاصمی، در المبانی و زین الفتی استفاده می‌شود که احمد بن علی بن منصور، استاد وی در ادبیات عربی بوده است:

«اخبرنا الاستاذ أبوبکر احمد بن علی بن منصورى النحوى...» (همو، زین الفتی، ۶۹۹) گویا عاصمی از سالهای ۳۹۰ق به بعد از درک حضور این استاد بهره‌مند بوده چنان که خود نوشته است: «اخبرنى الاستاذ أبوبکر احمد بن علی بن منصور النحوى رحمه الله الذى ما مقلت عينای مثله علما و ادبا و نحوا و صرفا و ظرافة و رواية سنة ثمان و تسعين و ثلثمأة...» (همان، ۲۶۲).

می‌توان در علوم قرآن و حدیث از پدرش، ابورجاء، جدش احمد بن محمد بن مهاجر بن ولید و ابراهیم بن احمد بن مهاجر نام برد. وی در موارد زیادی از جد خود چنین یاد کرده است: «اخبرنا الشيخ الزاهد جدی ابو عبدالله احمد بن المهاجر بن الولید...» (همان، ۳، ۱۵۰، ۱۵۱، ۳۳۷، ۴۲۳، ۶۵۲) و از ابراهیم چنین نام برده است: «سمعت بعض اصحابنا يذكر عن العالم ابراهیم بن احمد بن المهاجر، عم والدتى يذكر عن ابيه العالم الزاهد احمد بن المهاجر...» (همان، ۴۲۲). از این عبارت فهمیده می‌شود که احمد بن مهاجر... جد مادری عاصمی بوده است. وی از پدرش به عنوان «شیخی الامام» یاد می‌کند.

«و اخبرنى شيخى الامام ابورجاء محمد بن علی بن أحمد العاصمى...» (همان، ۱۷۳) از مطالب یاد شده چنین بر می‌آید که مؤلف المبانی در خانواده‌ای، اهل دانش و تدین پرورش یافته است.

۳- استادان عاصمی

در کتابهای معاجم، انساب و رجال به اساتید وی اشاره نشده است. فقط از طریق روایاتی که خود عاصمی در کتابهای المبانی و زین الفتی نقل کرده است می‌توان به نام‌های برخی از اساتیدش دست یافت از جمله: ابورجاء، پدر عاصمی؛ احمد بن

عاصمی، جد مادری عاصمی؛ محمد بن احمد بن مهاجر (عاصمی، زین الفتی، ۶۱۳)؛ ابراهیم بن احمد بن مهاجر، عموی مادر عاصمی است. ظاهراً این شخص همان ابراهیم بن مهاجر است که بغدادی (ص ۲۱۲) از وی به عنوان شیخی از فرقه کرامیه یاد کرده است «و کان فی عصرنا شیخ للکرامیه یعرف بابراهیم المهاجر اختراع ضلالة لم یسبق الیها فزعم ان اسما الله عزوجل کلها اعراض فیه ...».

آنگاه بغدادی (ص ۲۱۳-۲۱۴) از مناظره‌ای که بین او و ابراهیم بن مهاجر در حضور محمد بن ابراهیم بن سیمجور، فرمانده سامانی در سال ۳۷۰ ق دربارہ اسماء خدا رخ داده است؛ یاد کرده و چنان که خود نوشته در این مناظره بر وی پیروز شده است. ابوبکر محمد بن احمد جلاب که از او با اوصاف شیخی و صالح یاد کرده است «عاصمی، زین الفتی، ۳-۴».

شیخ ابو عبدالله محمد بن هیصم (همان، ۵۰).

ابوبکر احمد بن علی بن منصور نحوی (همان، ۸۰).

ابوبکر محمد بن اسحاق بن محشاذ (همان، ۳۳۵-۶۳۰).

ابوالقاسم، عبدالله بن محمشاذ (جفری، ۱۶).

شیخ ابو عبدالله محمد بن منتصر (همو، ۶۴).

ابوجعفر، محمد بن احمد بن جعفر (همو، ۸۶).

شیخ محمد بن قاسم فارسی (عاصمی، زین الفتی، ۱۹۹).

ابراهیم بن محمد بن ایوب طرماحی (همان، ۲۷۳).

شیخ ابوالقاسم، طاهر بن علی (همان، ۷۱۹).

محمد بن ابی زکریا (همان، ۳۴۵).

حسن بن محمد بن احمد زیادی (همان، ۴۱۹).

حسن بن محمد بستی (همان، ۳۳۳).

شیخ ابوالقاسم، طاهر بن علی صیرفی (همان، ۵۸۵).

احمد بن محمد بن اسحاق بن جمح (همان، ۶۰۳).

ابوالحسن، علی بن محمد بن عبدالله فارسی (همان، ۶۰۸).

احمد بن محمد بن فحص (همان، ۶۱۷).

ابوسهل عاصمی (همان، ۶۳۲).

۴- سفرهای علمی عاصمی

شایان یادآوری است که وی از علمای فرقه کرامیه در قرن پنجم هجری بوده است. این فرقه وابستگی شدید به «خانقاه» داشته‌اند (مقدسی، ۱۴۱/۵). ابتکار ابن کرام این بوده است که خانقاه را علاوه بر مرکز ذکر، مکان درس و وعظ قرار داده است: برای او قطعه پوستی، پهن می‌کردند تا بر آن جلوس کرده به وعظ، پند و نقل حدیث بپردازد (سبکی، ۳۰۴/۲).

این مراکز به تدریج رونق گرفته و در اوایل قرن پنجم ق به اوج خود رسید؛ زیرا کرامیان از سوی سلطان محمود غزنوی، به ریاست ابوبکر محمد بن اسحاق بن محمشاد (سبکی، ۱۳۱/۴)، یکی از اساتید عاصمی، حمایت می‌شدند. ابن محمشاد در هرات تدریس داشته و توانسته حدود پنج هزار یهودی، مسیحی و زرتشتی را مسلمان نماید (زرکلی، ۲۹۶/۱). از این رو می‌توان گفت هرات در آن زمان یکی از مراکز علمی مهم کرامیان بوده و عاصمی در برخی از اسنادهای خود تصریح کرده که این روایت را در هرات شنیده است و سفر علمی وی به هرات هم زمان با حضور استادش، عبدالله بن محمشاد در آن شهر بوده است (عاصمی، زین الفتی، ۶۰۹؛ جفری، ۸۶).

سفر دیگر عاصمی به نقطه رودان کرمان، برای کسب حدیث از شیخ ابوبکر محمد بن علی کرمانی بوده است (عاصمی، همان، ۶۰۱). سفر دیگر وی به بلخ بوده است (همان، ۶۳۲).

۵- تألیفات عاصمی

تاکنون تنها دو اثر از تألیفات عاصمی به دست آمده است؛ المبانی و زین الفتی و از سایر تألیفات وی جز نام آنها اطلاعی وجود ندارد. به هر حال تذکره نویسان آثار زیر را از آثار عاصمی دانسته‌اند.

زین الفتی فی شرح سورة هلی اتی (آغا بزرگ، ۹۰/۱۲؛ ایمانی، ۷۷؛ کحاله، ۱۳۱/۲). نسخه عکسی در مجمع احیای فرهنگ اسلامی قم موجود است.

المبانی لنظم المعانی (محمودی، ۸۵/۱-۹۶، ۱۰۲، ۸/۲)، فتوکپی آن در مجمع

مذکور موجود است.

البهجة شرح المفضليات (قفطی، ۱/۱۳۳).

المهجة فی اصول التصريف (همان).

الدرر فی ترفیع السور (جفری، ۴).

الابانة والاعراب (همو، ۱۱۶).

الزينة فی سؤالات القرآن (همو).

ديجاج المذکرين (عاصمی، زین الفتی، ۶۳۸).

أزمة الاعراب (همان، ۹۵).

الغرر فی أسامی السور (جفری، ۶۴).

۶ تفسیر المبانی لنظم المعانی

عاصمی روز یکشنبه اول ماه شعبان سال ۴۲۵ ق. تألیف این تفسیر را شروع و آن را به المبانی لنظم المعانی نامگذاری کرده است (جفری، ۶). تا کنون تصحیح و تحقیق بایسته‌ای درباره این کتاب انجام نشده است، مستشرق انگلیسی آرتور جفری برای اولین بار مقدمه آن را بازخوانی و به چاپ رسانده است. اسماعیل صاوی پس از بیست و دو سال یعنی در سال ۱۹۷۲ نسخه چاپ شده آن را با تصحیح مختصر برخی واژه‌ها، برای بار دوم منتشر کرده و به چاپ رسانده است. در ایران معارف علاوه بر ترجمه روان فصلهای اول تا چهارم مقدمه المبانی، به تحقیق و نقد آن پرداخته و در دیباچه پایان نامه خود تحت عنوان «نظری به مقدمه المبانی» پژوهشی درباره متن، ارزش، مصادر و گزارشی از کارهای انجام گرفته درباره مقدمه المبانی ارائه کرده است. نیز عبدالوهاب شاهرودی فصلهای پنج تا هشتم و سید مهدی ابوترابی فصلهای نهم و دهم آن را ترجمه کرده‌اند. فتوکپی این ترجمه‌ها در کتابخانه مرکز معارف قرآن قم موجود است.

این تفسیر آن گونه که از خلال کتاب زین الفتی به دست می‌آید، تفسیری کامل بوده است؛ زیرا در این کتاب گفته است: «در کتاب المبانی آورده‌ایم که احتمالاً به این علت خدای سبحان در سوره انسان دستبندهای نقره را بعد از لباسهای حریر نازک و لباسهای دیبای ضخیم ذکر فرموده، که سفیدی زیور آلات نقره‌ای با سبزی رنگ سبز حریر و دیبا

تناسب زیبایی دارد» (عاصمی، زین الفتی، ۱۱۰).

از این عبارات استفاده می‌شود که تفسیر المبانی حداقل تا پایان سوره انسان (اواخر جزء بیست و نهم قرآن) را شامل می‌شده است. عاصمی وقتی در مقدمه تفسیر المبانی یکی از کتابهایش را به نام الزینه فی سؤالات القرآن معرفی می‌کند، به ناتمام بودن آن تصریح نموده است (جفری، ۱۱۶). ولی در کتاب زین الفتی پیوسته از تفسیر المبانی یاد کرده و در هیچ مورد به ناتمام بودن آن اشاره نکرده است.

۷- نسخه موجود المبانی

ظاهراً از این تفسیر فقط یک نسخه خطی در موزه برلین وجود دارد (جفری، ۳). ولی این نسخه کامل نیست و تا پایان سوره حجر (سوره پانزدهم) را شامل می‌شود. آخرین ورق موجود از نسخه خطی المبانی به رقم ۵۴۰ ختم می‌شود (نسخه عکسی موجود در مرکز احیاء التراث الاسلامی واقع در قم. این نسخه در تاریخ ۱۵ رمضان ۱۴۱۹ عکسبرداری شده و تحت رقم ۱۲۹۷ در این مرکز موجود است).

این تفسیر در یازده فصل تنظیم شده است که ده فصل آن به تبیین مباحث علوم قرآنی اختصاص یافته از قبیل: ترتیب نزول قرآن، کیفیت جمع مصاحف، ترتیب کلام الهی، بحث تحریف، اختلاف مصاحف، اختلاف در عدد سوره‌ها، تفسیر و تأویل، محکم و متشابه، پرهیزکنندگان از تفسیر و قائلان به جواز آن، نزول قرآن بر هفت حرف، تنزیل قرآن و تعداد آیات و اجزاء آن؛ در فصل یازدهم به تفسیر قرآن بر هفت حرف، تنزیل قرآن و تعداد آیات و اجزاء آن؛ در فصل یازدهم به تفسیر قرآن از آغاز تا انجام پرداخته است که متأسفانه نسخه موجود کامل نیست.

۸- مذهب و گرایش اعتقادی عاصمی

وی خود را از اهل سنت و جماعت و پیرو کرامیه معرفی کرده است (عاصمی، زین الفتی، ۲) و کتاب زین الفتی را در دفاع از کرامیه که متهم به بغض حضرت علی (ع) شده بودند، تألیف کرده است (عاصمی، زین الفتی، ۳-۴، ۲۰). ظاهراً این اتهام از سوی شیعیان متوجه آنان شده است زیرا کرامیه در زمان قدریشان به درگیری با شیعیان پرداخته‌اند و سبکتکین کرامی مذهب مشهد امام رضا (ع) را ویران کرده و زائران آن حضرت را

می‌گشته است (ذهبی، ۴۹۹/۱۶). نیز برخی از کرامیان اظهار کرده بودند که نه تنها سوره انسان درباره حضرت علی (ع) نازل نشده بلکه هیچ آیه‌ای در قرآن درباره او و اهل بیت نازل نشده است (حاکم حسکانی، ۲۰/۱). از این رو نه تنها شیعیان به کرامیه این نسبت را وارد ساخته بودند بلکه شافعی‌ها نیز در مورد آنان همین قضاوت را داشتند: (حصنی دمشقی، ۳) فرقه کرامیه منسوب به محمد بن کرام سیستانی است. ابن کرام در دوران زمامداری محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر که از سال ۲۴۸ تا ۲۵۹ ق حکومت خراسان را بر عهده داشته به نیشابور آمده و به انتشار عقاید خویش پرداخته و آرام آرام عقاید او به یک جریان مذهبی مستقل تبدیل شده است.

این جریان مذهبی - اجتماعی از نیمه قرن ۳ ق دست کم تا اوایل قرن پنجم در خراسان به حیات خود ادامه داده و دارای پیشوایانی بوده که عهده‌دار ریاست دینی مردم بوده‌اند (بدوی، ۷۰۸/۱). کرامیه از حنفیانی محسوب می‌شوند که در برخی از اصول و احکام از مذهب حنفی فاصله گرفته‌اند و همین دوری به آنان چهره‌ای مستقل داده است (فان اس، ۴۳).

نویسندگان ملل و نحل که درباره کرامیان نوشته‌اند، از این فرقه تصویری مضحک و ناپسند ارائه می‌دهد. فرقه‌ای که با اندیشه‌های تجسمی و تشبیهی خدا را جسم و محدود به حدود پنداشته‌اند، خدایی که سنگینی وزنش را به عرش تحمیل می‌کند و محل حوادث است. هم علی (ع) را بر حق می‌دانند و هم معاویه را، لواط با کودکان و بزرگان کفار، مشرکان، مجوس، نصاری و یهود را عبادت می‌دانند. فرقه‌ای که رئیسش بی‌باکانه از خدا و رسول انتقاد می‌کند و جعل حدیث را جایز می‌داند (بغدادی، ۲۱۲-۲۱۴؛ ابن کثیر، ۲۵/۱۱).

ابن داعی در مقام معرفی کرامیان یک روایت مجهول را چنین نقل می‌کند: «... عبدالله بن عمر روایت کرد که رسول الله نشسته بود و ابوبکر و عمر و عثمان و صحابه از مهاجر و انصار و من در پیش وی رفتم و او با صحابه سخن می‌گفت، گفت: قومی ظاهر شوند در امت من و ابتدای ظهور ایشان بعد از دوستان و پنجاه سال بود و ایشان به روز روزه دارند و به شب نماز کنند به ریای خلق و جامه‌های ایشان کهنه بود و جمعیتشان از بهر طمع بود و همتشان آن بود که شکم پرکنند. روی‌های ایشان زرد بود و دل‌های ایشان سیاه، در

ذات خدای تعالی سخن گویند به جهل و انکار کتاب خدای کنند و علم آموزند از بهر طمع دنیا هر که ایشان را ببیند باید که با ایشان مخالفت نکند و چون بمیرد بر ایشان نماز نکند و اگر بیمار شوند ایشان را نپرسد، گفتم: مادر و پدرم فدای تو باد ای رسول خدا به کدام علامت ایشان را بتوان شناخت؟ گفت: ایشان چون ظاهر شوند ظهورشان به خراسان بود و آن که اصل مذهب ایشان نهد از سجستان باشد و آن قوم باشند که ایشان را کرامیه گویند ایشان بدترین اصناف مرجیان باشند و ایشان رئیس خود را به نام من خوانند و من ایشان را حلال نکنم زیرا که او دین مرا بدل کند و انکار سنت من کند و گوید: ایمان اقرار است و دین اضطرار، لعنت خدا بر او باد و اتباع و دوستان وی. و این کلمه را رسول الله (ص) سه بار بگفت یعنی لعنت (حسنی رازی، ۶۴).

آرای عاصمی در دو کتاب المبانی و زین الفتی سخنان ملل و نحل نویسان را درباره کرامیان نقض می کند زیرا بسیاری از این نسبتها از این دو کتاب قابل برداشت نیست. در این دو کتاب به روایاتی استناد شده است که در منابع روایی سایر فرقه های اسلامی وجود دارد. اگر عاصمی به کرامی بودن خود اعتراف نکرده بود، با تصویری که ملل و نحل نویسان از این فرقه ترسیم کرده اند، هرگز کسی احتمال نمی داد که وی از فرقه کرامیه باشد. افکار وی با صرف نظر از مواردی اندک، به یک دانشمند شیعی و یا یک محقق سنی مذهب دوستدار اهل بیت (ع) نزدیک تر است تا فرقه ای که ابن داعی و امثالش از کرامیه معرفی کرده اند.

شفیعی کدکنی (۲/۶۵-۶۶) در گفتار محققانه خود، وجود دشمنیها و غرض ورزیها در انعکاس نظرات کرامیان را به اثبات رسانده و چنین نتیجه گرفته است: «... از آن جا که کرامیه از لحظه حضور در تاریخ جز در یک فاصله محدود همواره تحت تعقیب بوده اند، همیشه قلم در کف دشمنان ایشان بوده و تا سالها پس از زوال ایشان باز هم وحشت از اندیشه های ایشان در میان دولتها و نیز ارباب مذاهب و فرق وجود داشته است، تردیدی ندارم که تألیفات ایشان را دشمنان ایشان به تدریج، تعدا و قربه الی الله از بین برده اند و به همین دلیل تنها گزارشهای دشمنان ایشان بوده است که معرف ایشان در تاریخ به حساب می آمده است».

وی محمد بن کرام را بر اساس یک تفسیر قرآن بازمانده از مؤلفی کرامی مذهب،

چنین معرفی می‌کند: «محمد بن کرام آن گونه که از خلال سطور این کتاب، چهره می‌نماید زاهدی است یگانه و عارفی است ژرف اندیش و در الاهیات متکلمی است تنزیهی و به دور از شائبه تجسم و در عین حال مرد عمل و اهل درگیری با حکومت‌ها و صاحب اندیشه‌های انقلابی در اصول اجتماعی و اصول مالکیت و این تصویر، درست بر عکس آن چیزی است که نویسندگان کتب ملل و نحل در طول هزار و صد سال گذشته از او ساخته و پرداخته‌اند...» (همان، ۶۷).

البته کرامیه نیز همانند بسیاری از فرقه‌های دیگر دارای باورهای قابل خدشه‌ای هستند که باید در جای خود مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. ولی در تأیید نظر شفیع کدکنی می‌توان گفت: از لابلای کتابهای ملل و نحل بدست می‌آید که بسیاری از مطالبی که به کرامیه نسبت داده‌اند نادرست است. اصولاً تفسیر مقالات هر فرقه را از آثار دانشمندان آن فرقه می‌توان بدست آورد. آثاری که از دانشمندان کرامیه باقی مانده مثل تفسیر المبانی، زین الفتی و الفصول به هیچ وجه مؤید اتهاماتی که به آنان وارد کرده‌اند نیست. منقولاتی که از دانشمند برجسته کرامیه، ابن هیصم باقی مانده نیز حاکی از عدم صحت این اتهامات است. ابن ابی الحدید وی را هوشمندتر از آن دانسته که قائل به نظریات سخیف درباره خدا، عرش و صفات باری تعالی باشد (همو، ۲۲۹/۳). ابن هیصم تلاش فراوانی در جهت رفع اتهامات از کرامیه و تبیین آراء آنان کرده است (همان، ۲۳۷؛ بغدادی، ۱۱۲/۱؛ عسقلانی، ۳۵۴/۵؛ ذهبی، ۳۴/۱۱).

کتابشناسی

- آغا بزرگ تهرانی، محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، ۱۴۰۳ق.
 ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت، ۱۳۷۸ق.
 ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت، ۱۳۹۰ق.
 ابن کثیر، اسماعیل بن عمر الدمشقی، البداية والنهاية، بیروت، ۱۴۰۸ق.
 بدوی، عبدالرحمن، تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، مشهد، ۱۳۷۴.
 بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، بیروت، بی تا.
 جفری، آرتور، مقدمتان، قاهره، ۱۹۵۴.

- حاکم حسکائی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، ۱۴۱۱ق.
- حسنی رازی، مرتضی ابن داعی، تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، تهران، ۱۳۶۴.
- حصنی دمشقی، ابوبکر بن محمد بن عبدالمؤمن، دفع الشبه عن الرسول، قاهره، ۱۴۱۸ق.
- ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، بیروت، ۱۴۱۳ق.
- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، بی تا.
- سبکی، عبدالوهاب، طبقات الشافعیه، قاهره، بی تا.
- شفیعی، کدکنی، چهره دیگر محمد بن کرام، ارج نامه ایرج، تهران، ۱۳۷۷.
- عاصمی، احمد بن محمد، زین الفتی فی شرح سورة هل اتی، نسخه خطی.
- فان. اس، یوسف، متونی درباره کرامیه، ترجمه احمد شفیعیها، مجله معارف، مرکز دانشگاهی، ش ۱، ۱۳۷۱.
- فقیه ایمانی، مهدی، الامام علی فی آراء الخلفاء، قم، ۱۴۲۰ق.
- قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف، انباه الرواه علی انباه النحاة، قاهره، ۱۳۶۹.
- کحاله، عمررضا، معجم المؤلفین، بیروت، بی تا.
- محمودی، محمد باقر، العسل المصفی من تهذیب زین الفتی، قم، ۱۴۱۸ق.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بیروت، ۱۸۹۹.